



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۹ شوال ۱۴۴۳

جلسه: ۱۰۵

موضوع کلی: عام و خاص

موضوع جزئی: مروری بر مباحث علم اصول از ابتدا تا اینجا و مباحث باقیمانده

سال سیزدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### مروری بر مباحث علم اصول از ابتدا تا اینجا

از ابتدای اصول تا اینجا چندین مسئله را مورد بررسی قرار دادیم و چند مبحث دیگر باقی مانده. چون بحث بعدی بحث مطلق و مقید است و آغاز یک بحث جدید است، این چند جلسه به جایی نمی‌رسد و ما شروع سال تحصیلی جدید از موضوع مطلق و مقید بحث را دنبال خواهیم کرد. لکن مروری بر بحث‌های گذشته و بحث‌های باقی مانده در این مجال به نظر می‌رسد مفید باشد. مقدمه محقق خراسانی در ابتدا برخی از مباحث را مطرح می‌کند که از آنها تعبیر به مقدمه نمودند و در ضمن سیزده امر متعرض آنها شد.

مقدمه اول: بیان موضوع علم اصول و تعریف علم اصول. یعنی در مقدمه اول ما به بیان موضوع و تعریف علم اصول پرداختیم و البته یک بحثی را که محقق خراسانی آنجا درباره تمایز علوم مطرح کرده بودند، خیلی وارد آن نشدیم. مقدمه دوم: درباره وضع و اقسام آن بود و اینکه وضع در اسماء اشاره، ضمائر و هیئات چگونه است. مقدمه سوم: درباره حقیقت و مجاز بود.

مقدمه چهارم: درباره اینکه گاهی لفظ اطلاق می‌شود و نوع آن اراده می‌شود و گاهی صنفش اراده می‌شود و گاهی مثل آن اراده می‌شود و گاهی شخصش اراده می‌شود. البته ما در برخی از این موارد یک تغییراتی را در عناوینی که محقق خراسانی اینجا ذکر کردند دادیم و بحث‌ها را به یک نحو دیگری سامان دادیم.

مقدمه پنجم: درباره تبعیت یا عدم تبعیت دلالت از اراده و به دنبال آن بحث از اینکه آیا الفاظ برای معانی وضع شدند یا معانی وضع شدند برای معانی. مراده.

مقدمه ششم: درباره وضع مرکبات بود.

مقدمه هفتم: درباره علامات و امارات وضع بود.

مقدمه هشتم: درباره احوال لفظ و تعارض آنها بود.

مقدمه نهم: درباره حقیقت شرعیه بود.

مقدمه دهم: درباره صحیح و اعم بود.

مقدمه یازدهم: پیرامون اشتراک اعم از اشتراک لفظی و غیر آن بود.

مقدمه دوازدهم: درباره چگونگی استعمال و اینکه آیا استعمال لفظ در اکثر از معنا جایز است یا خیر؟

مقدمه سیزدهم: درباره مشتق بود.

این دو مقدمه اخیر یعنی بحث صحیح و اعم و همچنین بحث مشتق نسبتا طولانی بود. البته بحث وضع نیز یک مبحث نسبتا طولانی بود.

این سیزده مقدمه همانطور که اشاره شد اکثرا بحث‌های مبسوطی نداشت و عمدتا این سه بحث نام برده شده مقدراری طول کشیدند. ما به غیر از این مقدمات سیزده گانه که بیان کردیم در آغاز بحث اصول تقریبا سه سال تحصیلی درباره حکم شرعی بحث کردیم. اینکه حکم شرعی حقیقتش چیست و چه تقسیماتی دارد و اقسامی که به اعتبار تقسیمات مختلف پیدا می‌کند و قلمروی آن. تقریبا بسیاری از بحث‌هایی که به صورت پراکنده در علم اصول پیرامون حکم شرعی مطرح شده، اینها را همان آغاز بحث اصول مطرح کردیم و الان که سال سیزدهم بحث ما است، در حقیقت سه سال آن در مورد حکم شرعی بود لذا ما وقتی به برخی از این بحث‌هایی که آنجا مطرح کردیم در ادامه برسیم دیگر آن بحث‌ها را متعرض نخواهیم شد. بعد از بیان این مقدمات بحث از مقاصد علم اصول به میان آمد.

#### **مقصد اول: اوامر**

مقصد اول در مورد اوامر بود. در این مقصد چندین فصل وجود دارد:

**فصل اول:** درباره ماده امر بود که از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفت.

**فصل دوم:** درباره صیغه امر بود که مباحث مهمی را درباره صیغه امر مطرح کردیم.

**فصل سوم:** پیرامون اجزاء بود که آن نیز مشتمل بر مباحث مهمی بود.

**فصل چهارم:** پیرامون مقدمه واجب بود که در این باره نیز به تفصیل سخن گفته شد.

**فصل پنجم:** پیرامون مسئله ضد بود.

**فصل ششم:** درباره امر امر مع علمه بانتفاء شرطه بود.

**فصل هفتم:** پیرامون تعلق اوامر و نواهی به طبایع بود.

**فصل هشتم:** درباره نسخ وجوب بود.

**فصل نهم تا فصل سیزدهم:** در این فصول به بعضی از امور و موضوعات مربوط به مقصد اول یعنی اوامر پرداخته شد مثل وجوب تخییری و وجوب کفایی و واجب موقت، امر به امر، امر بعد الامر. اینها مجموعا در مقصد اول یعنی اوامر مورد رسیدگی قرار گرفت.

#### **مقصد ثانی: نواهی**

این مقصد در مورد نواهی بود که مشتمل بر چندین فصل بود.

**فصل اول:** در مورد ماده نهی بود.

**فصل دوم:** در مورد اجتماع امر و نهی بود که بحث نسبتاً طولانی در این رابطه صورت گرفت

**فصل سوم:** این بود که آیا نهی از شیء مقتضی فساد است یا خیر؟ که در این رابطه نیز بحث مبسوطی صورت گرفت.

### **مقصد سوم: مفاهیم**

در این مقصد نیز پس از ذکر مقدمه‌ای چندین فصل وجود دارد:

**فصل اول:** فصل اول درباره مفهوم شرط بود

**فصل دوم:** درباره مفهوم وصف بود.

**فصل سوم:** درباره مفهوم غایت بود.

**فصل چهارم:** درباره اداه استثناء بود.

**فصل پنجم:** درباره مفهوم لقب و همچنین مفهوم عدد بود.

### **مقصد چهارم: عام و خاص**

در این مقصد چندین مسئله مورد رسیدگی قرار گرفت، بیش از ده مسئله که هر کدام یک فصل از فصول کتاب کفایه را به خودش اختصاص داده.

۱. اینکه عام به چه معنا است و دارای چه اقسامی است؟

۲. اینکه آیا عموم یک صیغه مخصوص دارد یا خیر؟

۳. بحث از الفاظ عموم.

۴. درباره عام مخصص که آیا عام بعد از تخصیص حجیت در باقی مانده افراد حجیت دارد یا خیر؟

۵. درباره مخصص مجمل بحث کردیم.

۶. عمل به عام قبل از فحص از مخصص.

۷. درباره خطابات شفاهیه بحث کردیم که در ضمن آن بحث از تکلیف معدوم و غایب مورد توجه قرار گرفت.

۸. بحث از ثمره خطابات شفاهیه.

۹. تعقب عام به ضمیری که یرجع الی بعض افراد.

۱۰. جواز تخصیص به مفهوم مخالف.

۱۱. استثناء متعقب لجمل متعدده.

۱۲. تخصیص قرآن به خبر واحد.

۱۳. تخالف خاص و عام یا به تعبیر دیگر دوران خاص بین اینکه مخصص یا ناسخ باشد.

پس مقدمات سیزده گانه و چهار مقصد از مقاصد علم اصول به ترتیبی که در کفایه بیان شده، تا اینجا مورد رسیدگی قرار گرفت.

### **مباحث باقیمانده**

چند مقصد دیگر باقی مانده که البته این مقاصد خودش نسبتاً مفصل و مهم است و چه بسا مخصوصاً از مقصد ششم به بعد پرکاربردترین و مورد استفاده‌ترین مقاصد علم اصول است.

### **مقصد پنجم: مطلق و مقید؛ مجمل و مبین**

البته بحث مجمل و مبین خیلی بحث طولانی نیست. بعد از مقصد پنجم که البته مشتمل بر چند فصل است:

**فصل اول:** اساساً معنای مطلق چیست و به تبع آن مقید به چه معنا است؟

**فصل دوم:** درباره مقدمات حکمت و نیز تنافی بین مطلق و مقید و کیفیت جمع بین آنها بحث می‌کنیم.

**فصل سوم:** یک بحث مختصری درباره مجمل و مبین است

### **مقصد ششم: حجیت امارات شرعی و عقلی (قطع و ظن)**

مقصد ششم (و هفتم و هشتم که در حقیقت با این مقصدی که باقی مانده از مهمترین مقاصد علم اصول هستند) درباره امارات معتبره شرعی یا عقلی است. یا به تعبیر دیگر قطع و ظن، همان که در کتاب رسائل به عنوان قطع و ظن شهرت پیدا کرده. این مطلبی است که بسیار مهم است. خود مقصد ششم مشتمل بر بحث‌های مبسوطی است. البته در مقصد ششم که درباره قطع بحث می‌شود به عنوان چیزی که عقلاً اعتبار دارد، احکام قطع و انواع قطع، بحث تجری، موافقت و مخالفت احتمالی و قطعی و التزامی درباره حجیت قطع و اقسام آن، حجیت قطع قطاع، حجیت قطع اجمالی، اینها بحث‌هایی است که در آن مقصد دنبال می‌شود.

بعد هم درباره اماراتی که شرعاً معتبر شده و مفید ظن است. در این باره هم از اصل حجیت امارات ظنیه بحث می‌شود و هم در مورد حجیت بعضی از آنها مثل حجیت ظواهر الفاظ، حجیت اجماع منقول، حجیت شهرت و حجیت خبر واحد، اینها بحث‌های مهمی است که انشاء الله ما به آن خواهیم پرداخت.

به دنبال اینها بحث از کشف و حکومت مطرح می‌شود و نهایتاً به مسئله ظن در اصول اعتقادی خواهیم پرداخت، اینکه آیا ظن و امارات ظنیه فقط در احکام معتبرند یا در اعتقادات نیز اعتبار دارند زیرا بسیاری از روایات ما در غیر مورد احکام یعنی، در دایره عقائد و اخلاقیات است اینکه آیا ظن در آنها حجیت دارد یا خیر؟

### **مقصد هفتم: اصول عملیه**

در این مقصد طی چهار فصل به چهار اصل عملی خواهیم پرداخت.

۱. برائت

۲. تخییر

۳. احتیاط

۴. استصحاب

این فصول چهارگانه در مقصد هفتم وجود دارد که انشاء الله درباره آن بحث خواهد شد

### **مقصد هشتم: تعارض ادله و امارات**

این نیز به تفصیل باید درباره‌اش بحث شود که اصلاً حقیقت و اقسام تعارض چیست؟ مرجحاتش چیست و بعد هم مسئله تراحم مطرح می‌شود که این نیز بحث بسیار مهمی است

### **خاتمه: اجتهاد و تقلید**

البته اجتهاد و تقلید همانطوری که می دانید هم یک بحث اصولی دارد و هم یک بحث فقهی دارد. چون ما قبلاً بر اساس کتاب تحریر تمام مسائل اجتهاد و تقلید تحریر الوسیله را بحث کردیم و عرض کردم البته با اینکه بین این دو تفاوت وجود دارد اما اکثر مباحث آن را آنجا مطرح کردیم و لذا بحث اجتهاد و تقلید را دیگر اینجا مطرح نمی‌کنیم.

بر این اساس چهار مقصد از مسائل علم اصول باقی مانده:

۱. مطلق و مقید و مجمل و مبین

۲. حجیت امارات یا قطع و ظن

۳. اصول عملیه

۴. تعارض ادله

چهار مقصد از مقاصد اصلی علم اصول باقی مانده. البته مبحث مطلق و مقید مثل بحث عام و خاص نیز مهم است. یعنی بحث عام و خاص و مطلق و مقید و سپس این مقاصد سه گانه اخیر، اینها از مسائل مهم علم اصول هستند، بحث های دیگر نیز مفید است ولی شاید این پنج مقصد اخیر در علم اصول از همه مهمتر است که ما اگر بخواهیم از این جهت نگاه کنیم، یک مقصد از این مقاصد پر اهمیت را مطرح کردیم ولی چهار مقصد مهم دیگر باقی مانده. یعنی مطلق و مقید، حجیت امارات، اصول عملیه و تعارض الادله یا به تعبیر مشهور تعادل و تراجیح یا تعادل و ترجیح.

اینها مباحث باقی مانده است که انشاء الله بنا داریم که این مباحث را یک مقداری سرعت دهیم و این مقداری که طول کشیده زمان زیادی است. ولی انشاء الله بنایمان بر این است که با یک سرعت بیشتری مباحث باقی مانده به اتمام برسانیم.

درست است که الان سال سیزدهم است ولی همانطور که عرض کردیم سه سال آن مربوط به بحث های پراکنده ای است که در جاهای مختلف علم اصول مطرح شده و ما اینها را دیگر متعرض نمی‌شویم. بحث های مربوط به حکم شرعی هم مهم است و هم بسیاری پرکاربرد است و در همه قسمت های علم اصول این مباحث مورد توجه است.

اگر ما بخواهیم وارد بحث از مطلق و مقید شویم دیگر اول مطلب است و بحث نا تمام می ماند و ممکن است برخی از دوستان تازه وارد شوند و بخواهند از ابتدا حضور داشته باشند لذا بحث مطلق و مقید را از ابتدای سال تحصیلی آینده به شرط حیات و به قید توفیق انشاء الله شروع خواهیم کرد.

در جلسه گذشته روایتی از حضرت علی (ع) را خواندم که «لَوْ لَا خَمْسُ خِصَالٍ لَصَارَ النَّاسُ كُلُّهُمْ صَالِحِينَ: أَوْلَاهَا الْقَنَاعَةُ بِالْجَهْلِ، وَالْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا، وَالشُّحُّ بِالْفَضْلِ، وَالرِّيَاءُ فِي الْعَمَلِ، وَالْإِعْجَابُ بِالرَّأْيِ»<sup>۱</sup>

اگر پنج خصلت بود همه مردم جزء صالحان قرار می گرفتند. آن پنج خصلت را نام بردم که یکی از آنها «الْقَنَاعَةُ بِالْجَهْلِ». حضرت علی (ع) فرمود «أَوْلَاهَا الْقَنَاعَةُ بِالْجَهْلِ» اولین مانع برای اینکه انسان در جرگه صالحان قرار بگیرد قانع بودن به ندانستن است. قانع بودن به جهل است. اینکه نسبت به آن چیزهایی که نمی داند جنب و جوشی ندارد و حرص و جوش نمی خورد، می گوید همین مقدار که می دانیم کافی است، خیلی از ما مصداق قناعت به جهل هستیم، به ندانسته هایمان قانع هستیم. حال یک چیزهایی می دانیم و می گوییم کافی است. اینکه تلاش نمی کنیم و عمق مطالب را کشف نمی کنیم و چیزهایی که نمی دانیم یاد نمی گیریم متأسفانه در خیلی

<sup>۱</sup> خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۹۸.

از ما وجود دارد، فکر می‌کنیم تلاش برای یادگیری فقط مخصوص درس و مدرسه است، در حالیکه همه مراحل زندگی انسان، چه ایام تحصیل و چه ایام تعطیل باید مصروف دانستن شود. اشتیاق به دانستن باید در ما تقویت شود و آن وقت است که اگر یک تلاش مستمری برای دانستن داشته باشیم می‌توانیم بگوییم قانع به جهل نیستیم. لذا برای اینکه بخواهیم در زمره صالحان قرار بگیریم علاوه بر روحیه بندگی و اطاعت و عبودیت، اصلاح رذائل درونی و باطنی باید به ندانسته‌هایمان نیز قانع نباشیم. این به موازات آنها کمک می‌کند که انسان در زمره صالحان قرار بگیرد. لذا اگر مراتب عالی و بالای بندگان خدا را می‌خواهیم و می‌خواهیم مشمول «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» شویم این مانع را باید از سر راه برداریم و این مانع نیز مقید نشده به اینکه همه شرایط فراهم باشد، نه در هر شرایطی انسان باید این روحیه را حفظ کند

انشاء الله خدا به ما توفیق دهد و انشاء الله شایستگی پیدا کنیم که با برداشتن این موانع در زمره صالحان قرار بگیریم.

«والحمد لله رب العالمين»